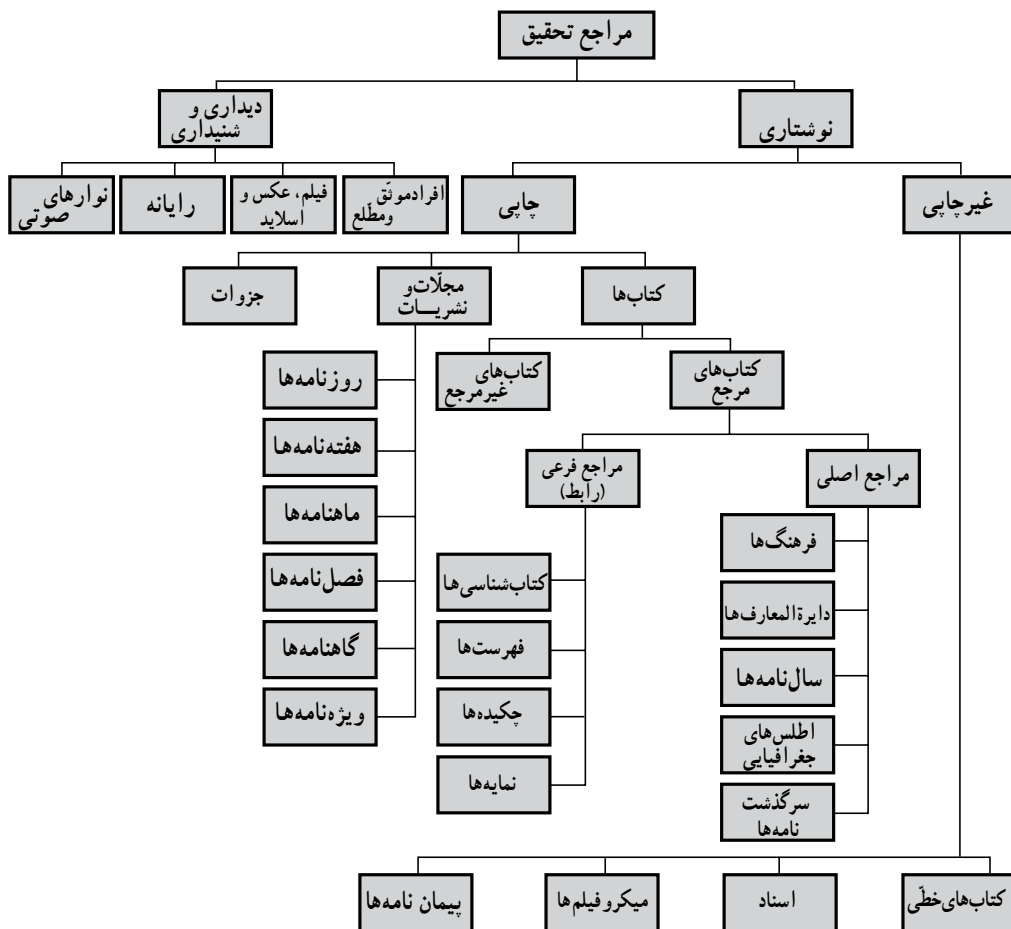


## مرجع شناسی

به نمودار مرجع شناسی توجه کنید :



در سال گذشته، با بخشی از کتاب‌های مرجع اصلی چون فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها آشنا شدید. اکنون شما را با برخی دیگر از مراجع تحقیق آشنا می‌کنیم.

## □ دایرةالمعارف‌ها

به مجموعه‌ای که شامل همه‌ی رشته‌های دانش انسانی یا رشته‌ای معین باشد، دایرةالمعارف می‌گویند. دایرةالمعارف از منابع اصلی تحقیق به شمار می‌آید. آثاری چون احصاء العلوم فارابی و الفهرست ابن ندیم که نوعی دایرةالمعارف چند دانشی هستند، قرن‌ها پیش نوشته شده‌اند.

تألیف دایرةالمعارف به شیوه‌ی نوین آن، ابتدا در قرن هفدهم در اروپا رواج یافت. این کار در ایران از پنجاه سال پیش با ترجمه‌ی دایرةالمعارف اسلام به کمک گروهی از دانشمندان آغاز شد. دایرةالمعارف‌های مهم فارسی عبارت‌اند از:

### ۱) دایرةالمعارف فارسی: این اثر به سرپرستی دکتر غلامحسین مصاحب و با

همکاری ۴۳ تن از

نویسندگان، در سه

مجلد به چاپ رسید. از

ویژگی‌های

دایرةالمعارف فارسی،

دقت، ابتکار، نوجویی

و انتخاب واژگان

فارسی است.

گسترش خصوصیات یک فرهنگ را، از طریق تماس مستقیم یا غیر مستقیم، میان گروه‌های مختلف، انتشار آن مینامند. سرزمینی که در داخل آن بتوان بعضی از خصوصیات یک فرهنگ را یافت بهمنی فرهنگ "خواننده مینود.

در مردمشناسی، برای توجیه طرز عمل درونی فرهنگ‌ها و گسترش و تکامل خصوصیات آنها، مکتب‌های گوناگون پیدا شده است. ولی، همه‌ی مردمشناسان، به یک تسلسل تکاملی وسیع در تاریخ فرهنگی بشر، خاصه در زمینه‌های فنی و اقتصادی، اعتقاد دارند. این مراحل تکامل، در همه جا همزمان صورت نگرفته است. و همه‌ی فرهنگ‌ها هم همه‌ی این مراحل را طی نکرده‌اند. بلکه گاه، از طریق هم‌فرهنگی، جهشی از یک یا چند مرحله صورت میگیرد. مرحله‌ی نخستین مرحله‌ی خوراکی‌جویی است، که در آن دسته‌های کوچک مهاجر، مانند شکارچیان و ماهیگیران و میوه-چینان، برای یافتن خوراکی از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر کوچ میکنند، و در غارها یا پناهگاهها موقتاً سکنی میگزینند، چنانکه در عصر حجر قدیم و حجر متوسط چنین بوده است. مرحله‌ی بعدی مرحله‌ی خوراکسازی است، که در آن انسان اهلی کردن جانوران و گیاهان را آموخته و در آبادی‌های کوچک مسکن میکرده است؛ نمونه‌ای از آن فرهنگ عصر جدید است. پس از این مرحله، ثروت شهرنشینی رسیده است، بدان گونه‌که در تمدن‌های بزرگ تاریخی اثر آن مشهود است. در طبقه‌بندی یک فرهنگ معاصر بر حسب مرحله‌ی که در آن است تنها نباید سطح فنی و صنعتی آن را در نظر گرفت. مثلاً، خوراکی‌جویان امروزی، مانند بومیان اصلی استرالیا، را نباید با شکارچیان ۲۵۰۰۰ سال قبل در عصر حجر قدیم یکسان شمرد. زیرا، مثلاً، نظام خویشاوندی و دین در عصر حجر قدیم به احتمال قوی به صورت دیگری بوده است.

فرهنگها (fathang)، در مردمشناسی، راه و رسم زندگی یک جامعه. استعمال علمی کلمه‌ی انگلیسی معادل "فرهنگ" در اواخر قرن ۱۹م به توسط سر ا. ب. فایر برقرار شد. مفهوم فرهنگ چندین سووند بوده است که آن را توسعه داده در سایر علوم اجتماعی و در ادبیات و در علوم زبانی نیز به کار می‌برند. از آغاز پیدایش نوع بشر، فرهنگ، ماهی‌تایز انسان از گروه‌های حیوانی بوده است. آداب و عادات و اندیشه‌ها و اوضاعی که گروهی در آن شرکت دارند از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا میکند، و این انتقال، بیش از آنکه از راه وراثت باشد، از راه آموختن است. پیروی از این آداب و عادات با نظام پاداش و کیفر مخصوص به هر فرهنگ انتظام پیدا میکند. زبان و وسیله‌های نمادی دیگر عوامل اصلی انتقال فرهنگ‌اند، ولی بسیاری از رفتارها تنها از طریق تخریب حاصل میشود. هر جامعه برای خود الگوی خاصی از "کلیات فرهنگی" دارد، که سازمان‌های ضروری بشری، مانند سازمان اجتماعی، دین، ساختمان سیاسی، سازمان اقتصادی، و فرهنگ مادی (آزادها، سلاحها، البسه) را شامل میشود. درجه‌ی پیچیدگی سازمان فرهنگی وسیله‌ای برای تشخیص دادن جامعه‌های "متنن" از جامعه‌های "آبنتایی" است. ولی در این دو اصطلاح همیشه جنبه‌ی نسبیّت را باید در نظر داشت. اساساً، هر گروه انسانی فرهنگ مشخص خود را دارد. ولی جامعه‌ی مفصل و پیچیده ممکن است فرهنگ‌های فرعی نیز داشته باشد، که از منشا ملی و دین و اوضاع اجتماعی حاصل میشود. بر عکس، از طریق تمایزهای صلح‌آمیز یا فوری فرهنگی، ممکن است یک فرهنگ مشترک مورد قبول چند جامعه‌ی مختلف قرار گیرد. این عمل متنمن همفرهنگی است و آن فرایندی است که به وسیله‌ی آن اعضای یک گروه آداب و عادات گروه دیگر را میپذیرند.

۲) دانش‌نامه‌ی ایران و اسلام: در سال ۱۳۴۸ با همت احسان یار شاطر ترجمه‌ی دایرةالمعارف اسلام آغاز شد و بخشی از مقالات حرف «الف» آن نیز به چاپ رسید. هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی، این کار متوقف شد. پس از انقلاب، کار تدوین این دانش‌نامه به زبان انگلیسی در دانشگاه کلمبیای امریکا (نیویورک) دنبال شد و هم‌چنان ادامه دارد.

فرمانروای بلخ بود و از تخت و تاج دست‌کشید تا زندگی زاهدانه پیش‌گیرد. چنین بنظر می‌رسد که این بندار هیچگونه مبنای تاریخی نداشته باشد. نخستین ساختی که به او مقام شهرداری می‌دهد سلمی (متوفی ۱۲/۴۲۱) است، اما افسانه بودن روایت او از اینجا بعوضی آشکار می‌شود که شامل شرحی دربارهٔ برخورد ابراهیم ادهم با خضر پیغمبر جاودانی است؛ ولی از زمان سلمی بعد این افسانه در شرحهای مربوط به زندگی ابراهیم سخت ورشده گرفته است. این حکایات عموماً تفسیر عقاید با توبهٔ او را باکناره‌گیری (از امارت) ارتباط می‌دهند. شرح این وقایع را می‌توان تحت قریب به ده مضمون طبقه‌بندی کرد: مثلاً یکبارگدائی را در سایهٔ قصر نشسته دید، و پس از اندیشیدن در بارهٔ رضای سخن او، توبه کرد؛ و یا خضر در هیئت یک پتیر او را از ناپایداری جهان برحذر داشت. معروفترین این مضامین ضمناً قدیترین آنهاست و در کلابادی (۱۰۸) یافت می‌شود و (در ترجمهٔ آزرپی) بدین مضمون است: «... برای شکار بقصد تفریح بیرون رفت، و صدائی او را بنام خوانندگفت تو برای این کار آفریده شده‌ای، و نیز چنین کاری به تو امر شده است. صدا دوباره به گوش او رسید، و باز سوم آنرا از قاج زین خود شنید. آنگاه ابراهیم گفت: بخدا از این پس تا زمانی که خدا مرا از گناه حفظ کند از او نافرمانی نخواهم کرد.»

در اینجا باید یادآور شد که این فرضیه که تفسیر عقاید ابراهیم از سرگشت بود اقتباس شده (این فرضیه را نخستین بار کلدتخیبر مطرح کرده است. «مجلة انجمن سلطنتی آسیائی»، ۱۹۰۴، ۲-۱۳۲) چند بار مورد تردید قرار گرفته (مثلاً «ساستیون»، «تحقیق در مبادی...» پاریس، ۱۹۲۱، ۶۳؛ «قص. زینر» تصوف هندو و مسلمانان، لندن، ۱۹۲۰، ۳-۳۱)؛ و شاید دیگر نباید پذیرفته شود. مهاجرت ابراهیم از بلخ به ماش کملکلا مجرز است و افسانه‌های گوناگون متعدد دربارهٔ تغییر عقاید او انگیخته او را به این مهاجرت توجیه می‌کند. ولی یک اشارهٔ اجمالی در این عساکر (۱۹۸) احتمال جالب دیگری را برای مهاجرت ابراهیم بیان می‌کورد. این عساکر روایت می‌کند که «ابراهیم بن ادهم که از ابوسلم می‌گریخت به اتفاق جهشم خراسان را ترک‌گفت، و به نفرور رفت تا در آنجا زیست کند...» (بخاری، چهارم/۲۳) در تأیید این روایت می‌گوید که جهضم (بن عبادات انبیا) در همین زمان بلخ را ترک‌گفت، و هیچگونه تناقضی از نظر زمانی میان قیام ابوسلم \* (۷۴۷/۱۳۹) و الملاحاتی که از

**ابراهیم بن ادهم** بن منصور بن یزید بن جابر (ابو اسحق) عیلی، یکی از مشاهیر سوریان در قرن دوم/هشتم، وی در بلخ، در خراسان، در یک خانوادهٔ کوفی از طایفهٔ بکرین وائل زاده شد. تاریخ مرگ او در معتبرترین مآخذ ۶۷۰-۶۷۱/۱۲۶۱ ذکر شده است.

ابراهیم بن ادهم در افسانه‌های متأخرتر بخصوص به زهد و ریاضت شهرت یافته است. نیکلسن او را «اصولاً یک زاهد و صوفی وارسته و در عین حال متوجه زندگی توصیف کرده است که از حد فاصل میان زهد و تصوف گام فراتر نهاده بود. ابراهیم بسبب سخاوت خود - که در داستانهای بی‌شماری دربارهٔ نیکبهایش به دوستانش نقل شده و همچنین به علت کف نغشی که با زندگی ظاهراً برتجمل دوران شباب او بی‌اندازه مغایرت داشت، بخصوص ذهن صوفیان تسلاهای بعدی را به خود جلب کرد.

از روی مآخذ قدیمتر عربی بویژه ابونعیم اصفهانی و ابن عساکر می‌توان خطوط برجستهٔ زندگی او را ترسیم کرد: ابراهیم در یک جماعت عرب مقیم بلخ در حدود ۱۱۲/۷۳۰ یا شاید زودتر متولد شد، و در زمانی بیش از ۱۳۷/۷۵۴ از خراسان به شام مهاجرت کرد. در بقیهٔ مدت حیات خود ناانفازهای بنیویهٔ بیان نشینان غالباً در آن ناحیه که از شمال تا رود سیحان و از جنوب تا نجره امتداد داشت می‌زیست. در بزرگی را نازوا می‌شورد، و برای معیشت اتکال به بازاری خویش داشت، و مثلاً دروگری و خوشه‌چینی یا خرمنکوبی یا باغبانی می‌کرد. علاوه بر این کارها، گویا در عملیات نظامی در سرحد شام برضد دولت بیزانس نیز شرکت داشت. قلعه‌های مرزی ثمور (در شمال شام، در ترکیه کنونی) کراارهٔ در حکایات ذکر شده است. می‌گویند که او در دو لشکرکشی زمینی و دولشکرکشی دریائی برضد بیزانس شرکت کرد و در لشکرکشی دوم دریائی بسبب «بیماری شکم» درگذشت (ابونعیم، هفتم، ۳۸۸). چگونگی مرگ او با شرح مبسوطی که ابن عساکر (۱۹۹) دربارهٔ آن آورده است تأیید می‌شود. بنا بر روایتی، ابراهیم در یک جزیرهٔ بیزانسی نزدیک قلعه‌ای بنام سوتین یا سوتن مدفون گردید. بنا بر روایتی دیگر وفات او در مصر روی داد. در روایات کم اعتبارتر گوناگون دیگر مقرر است او در صور، در بغداد، در دمشق، در شهر لوطه (=کنفر تبریکه)، در غازاریه یا در نزدیکی اورشلیم، و بالاخره، در بلخ روایتی که اغلب ذکر می‌شود، در بنگله واقع در ساحل شام ذکر شده است (هری، [زبارات] ۲۹، ۲۳). در افسانه‌ها غالباً ذکر شده است که ابراهیم بن ادهم

### ۳) دانش‌نامه‌ی جهان اسلام: در سال ۱۳۶۲ به دعوت حضرت آیت... خامنه‌ای (رئیس جمهور وقت) گروهی از دانشمندان و نویسندگان در بنیاد دایرةالمعارف اسلامی گردآمدند و کار تدوین این دانش‌نامه را از حرف «ب» آغاز کردند.

**بدیهه**، گفتن سخن با شعری بدون تفکر و آمادگی قبلی. واژه ارتجال نیز به معنی «به بدیهه شعر یا سخن گفتن و بدیهه سرایی» است. بدیهه از ریشهٔ «بَدَأ» (آغاز کردن) است که در آن اهواء جایگزین «همزه» شده است؛ و ارتجال به معنای آسان بودن و به سوری پایین جاری بودن است که از اصطلاح «شعرٌ زجلٌ» (موی فرو افتاده) یا «ارتجال اشتر» (فرو رفتن به چاه) سا پای خود و بدون استفاده از طناب) مستفاد شده است. در تفاوت ارتجال و بدیهه، گفته‌اند که در ارتجال شاعر شعر خود را از قبلی آماده نمی‌کند، ولی در بدیهه چند لحظه به تعکّر می‌پردازد. او دیگر مترادفات ارتجال که در فرهنگها آمده فقط واژهٔ اقتضاب به کار می‌رود (د.اسلام، ذیل «ارتجال»). مقابل ارتجال و بدیهه «رویت و فکرت» (اندیشه) است.

در میان عربها از دوران پیش از اسلام بدیهه سرایی مرسوم و پسندیده بوده است. در میان ایرانیان نیز بدیهه سرایی نشانهٔ طبع و قریحهٔ شاعری و سخنور در آن بوده است. شعرخوانی از روزگار قدیم در آیینهای رسمی، جشنهای خصوصی مانند جشن عروسی و در عصر جدید جشنهای سالیانهٔ مدارس و نیز مجالس ترحیم رواج داشته است. برای این مواقع اشعار مناسبی تصنیف می‌کرده یا فی‌المجلس می‌سروده‌اند و نیز قطعاتی از اشعار قدما را می‌خوانده‌اند، و همین رسم سبب افزایش حجم دیوان بسیاری از شاعران شده است («پراگماتیک»، ذیل «بدیهه سرایی»).

به گفتهٔ نظامی عروضی (ص ۵۷) بدیهه، رکن اعلای هنر شاعری است و شعرا به واسطهٔ بدیهه گویی پادشاهای بسیار یافته‌اند. نظامی حکایات زیادی دربارهٔ بدیهه سرایی نقل کرده که مشهورترین و قدیمیترین آنها دربارهٔ بدیهه گویی رودکی است که چون اقامت امیرنصیر سامانی در هرات طولانی شد، اطرافیان امیرنصیر که آرزومند بازگشت به دیار بودند از رودکی خواستند که با سرودن شعری امیر را به بازگشت به بخارا ترغیب کند، و رودکی نیز شعر «بوی جوی مولیان» را سرود و امیر چون شنید، چنان حائش دگرگون شد که بدون کفش پای در رکاب آورد و روی به بخارا نهاد. ازینرو نظامی گوید آن انبلی که رودکی در آن

سامان دید از بدیهه سرایی بود (ص ۵۲-۵۳). از دیگر حکایات نظامی حکایت بدیهه سرایی عنصری است که چون سلطان محمود در حالت منسی فرمان داد تا آواز گیسوی خود را ببرد، روز بعد پشیمان و بدحال شد. سرانجام عنصری با سرودن یک رصاصه به بدیهه، خاطر او را خوش ساخت (ص ۵۵-۵۷). همچنین نظامی چند رباعی از بدیهیات معری، ازرفی و رشیدی نقل کرده (ص ۶۸-۶۹، ۷۰-۷۱، ۷۴) سپس دربارهٔ بدیهه سرایی خود حکایتی آورده که به نحوای آن، در فرصتی کوتاه، یعنی میان دو بار گردش سافهر در خدمت ملک جمان، پنج بیت «مفروق» به الفاظ عذب و مشحون به مانی بکره سروده است (ص ۸۵-۸۶).

جامی (ص ۸۶) نیز در باب بدیهه گویی فردوسی حکایتی نقل کرده است که در مجلس سلطان محمود، عنصری و فرخی و عسجدی برای تحقیر فردوسی که از شاعران درباری نبوده است، سه اتفاق سه مصراع می‌گویند که رابع نداشته ساند، فردوسی به محض شنیدن آن سه مصراع، مصراع چهارم را بر بدیهه می‌سازد و آنان از طبع او متحیر می‌شوند.

دربارهٔ قنای نیز گفته‌اند که بامناد عبیدی، دیر هنگام، از خواب برخاست و از آنجا که شعری برای نهیت عبد نسروده بود، با عجله کاغذی برداشت تا در میانهٔ راه قصیده‌ای برسراید و چون مجال نوشتن نیافت آنرا به خاطر سپرد و در مجلس شاه خواند (حمیدی شیرازی، ص ۱۱۲).

در میان شاعران بدیهه‌سرا در قرن اخیر می‌توان از ملک الشعراء بهار، لطفعلی صورتگر، محمدحسین شهریار، و ابراهیم صهبا نام برد.

منابع: عبدالرحمن بن احمد، بهارستان، چاپ است تهران ۱۳۳۸ ش؛ سهدی حسیدی شیرازی، شعر در عصر قاجار، تهران ۱۳۶۲ ش؛ احمد بن عمر نظامی، چهار مقاله، چاپ محمد معین، تهران ۱۳۶۲ ش؛ *Et. s.v. "Intidjal" (by S. A. Bonchukter); Encyclopaedia Iranica, s.v. "Badiha- sarf" (by F. R. C. Bagley).*

/ اسماعیل حاکمی /

**ابن مقلع** - بومحمد عبیدالله (۶-۱۰۶-۱۱۲ ق ۷۱۲-۷۱۴-۷۱۵)؛  
 نوسنده بزرگ و مترجم آذربایجانی به عربی.  
**بررسی منابع در کتابهای گنجدی و نفاذی** که در مورد بن  
 شخصیت شهرور باشد، نیمه است نیز با جدیدی اثر عمده که در  
 واقع تنها منابع مفید دربارهٔ اوست و با نفاذی مفصل به شرح  
 گنجدی از زندگی حتمایی و کتبگنجدی سیمس او پرداخته‌اند.  
 در مدرسهٔ نخستین معقاران نبود. بن مقلع، عبارتند از تالیفات  
 الاشراف لادری (۱۲۹۶) و الطوریه والکتابیه جهشیاری (۱۳۳۱).  
 گزارش می‌آید (۱۳۱۶ ق) با آنکه بر پیشیاری اقدم است، به  
 سومدهی این دو منبع نیست، به اینهمه بخش اعظم روایات این دو  
 کتاب، به اشتباه منقولات و اندکی اختلاف در روایات این دو کتاب  
 کرده‌اند است و مؤلفان متأخرتر که تقریباً همیشه از او استفاده  
 کرده‌اند، گفته در بن بخش از روایات از جمله صواب به دور  
 یافته‌اند، گفته در بن جریمات و ریاض حدیث به یکدیگر دچار  
 سرگردانی شده‌اند نمونه بارز بن نفاذی را در کترب کوبی می‌یوان  
 دید. وی که در ۱۱۳۲-۱۱۳۳ ق با تألیف معانی خود دست زد، در نتیجه  
 اولی، در روایات این دو کتاب استفاده کرد، سپس توده‌ای از روایات دست  
 نده و راه که غالب مشکلات و موارد پخته‌تر که بر حسب سبب از آن آثار  
 کتاب دیگری چون انصافی، ابن جوزیه، صفندی، ابو الفرج، صهانی و  
 ابن‌رفیعه بهره جست (بزرگ گنجدی، ۱۵۸)، در ۱۱۶۲ م سورن که در مویع  
 «تاسی» مذکور را یافته بود، به تکمیل معانی گنجدی بن بردت و نظر به  
 صوابی که وی به مسائل تاریخی و رد سوانس از آن دو منبع و برخی  
 قراین شرحی شرح حال نسبتاً روشنی از این منبع به دست دهد.  
 ابن نفاذی، گفته در کتابهای شریفی نیز شکر است. از جمله در  
 مناقع مفضل و رداع عیاش اتمندی استیسی جی آن در منبع عالی  
 است. در شرح پژوهش دربارهٔ ابن مقلع در حقیقت به همین اثر که در  
 مجله کاره (پاریس، ۱۹۶۶) منتشر گردید، آغاز شد. اقبال علاوه بر  
 منابع عمومی، بررسی خاصه روایات ابن خلکان، بن آئین فارسی گنجدی،  
 چون تاریخ پیرمستان ابن‌سعدی، نیز استفاده کرد، اما او در دو منبع  
 اصلی لادری و جهشیاری (۱) چنین اثر دیگر را که بعداً منتشر شد،  
 نهمه بود از (پاریس) در ریاض شریفی، تیکو در کار نفاذی و بهره‌گیری از  
 پژوهشهای جانورنسانشن، کار او چنانکه میباید اشاره می‌کند که  
 (پاریس)، در نفس حالی نامند. کتاب ابن‌مقلع مفضل هر چه که ۴ سال  
 بعد (۱۹۶۲) چاپ شد، چند هم‌عصری را اطلاعات گذشته نیز افزود.  
 ابن‌مقلع محسن‌محمّد بنعلی (۱۱۶۶) اطلاعات جدید نگاشت،  
 اما تحلیلی زندگی و آثار ابن‌مقلع آغاز می‌گردد. عبد اللطیف حمزه  
 عمده‌ترین منابع و کتاب اقبال و منابع فارسی را بر آید و شرح است.

نسبت خوبی، هر سه با تحلیلها و اظهارنظرهای شخصیت فرس لومه  
 داده‌اند (۱۹۳۷ م) و ضمناً به آثار نو نیز پرداخته‌اند. مساجد مساحتی  
 جیبی در اثر او بیشتر است.  
**۴) دایرةالمعارف**  
**بزرگ اسلامی: این**  
**دایرةالمعارف در سال ۱۳۶۲**  
**کار خود را آغاز کرد و در**  
**سال ۱۳۶۷ اولین مجلد از**

نام بنابر این منبع نیز واقع شده بود (ابن خلکان، ۱۵۵۴؛ بزرگ  
 بوینی، ۱۵۲) هر چند که گاه، دایره به دایره تحریف شده است، مثلاً  
 لادری، انسان (۱۳۸۳)؛ ابن‌سعدی، ۱۱۱؛ ابن‌عربی، ۱۱۱؛ ابن‌عساکر،  
 ابن‌نعمان (۱۳۲۴) نه تالیف است، بهر او مدارک ذکر کرده که گوی،  
 ترجمه عربی روزبه است. اما روزبه در تاریخ‌العروس و اردو دانشسن  
 (دانشگنسنسن) خوانده، اما اینهمه منبوی (هیجاننا) معتقد است که نه  
 عبدالله، پیش از سنیان شدن، راهی بوده که به روزبه تصحیف گشته  
 نقدی نگنجدی، سر نفاذی (۱) دانشگنسنسن (۱) دایره به دست آمده است.  
 نام یافته است. دایره که در این و ابن‌سعدی و ابن‌خلکان فارسی بود (ابن  
 خلکان، ۱۵۵۴) و زمانی که هیچ‌یک پیوسته بر غری حک می‌راند، از حالت  
 وی صورت جراح تازنی شده است. اما بزرگان او، نزاریا کرد و حجاج  
 را چند ن شکسته داد تا دستش معقوف، اذنی و سرجه، گشت  
 لادری، ابن‌نعمان، ابن‌خلکان، هانجنا، قمر، گابریس، هانجنا:  
 سورن، ۱۵۸) گنجدی، به جای صحاح، تده خاتمین عبدالله قسری را  
 آورده است و نامور در او با نیر پیوسته بر عمر نفلن شده است  
 (ابن خلکان، هانجنا). اما نتیجه روایات در هر حال یکی است. کسبه  
 معقوف نگنجدی برای او بوده است و فرزندش روزبه، ابن‌مقلع خوانده شد.  
 ابن‌مقلع تا زمانی که اسلام نیاورده بود، هانجنا به روزبه نامور بود  
 و ابوعمرو گنجدی دانشس پس از شرف به اسلام، آثار عبدالله و کسبه  
 ابو محمد بزرگنجدی لادری، ابن‌نعمان، هانجنا، دربارهٔ فرزندش و بزرگ  
 مقلع، بزرگنجدی، ۱۳۲؛ ابن‌خلکان، هانجنا.

شهرآ روزبه در جیر (۳) گویا که همان قیروزیای فارسی باشد، زاده

**آینه طباطبائی اصفهانی**، از زنان ناضل و از سدهای شیعی  
 قرن پنجم یا ششم هجری، فرزند عباد سن عموز طباطبائی  
 علوی، در شهر اصفهان حوزة درس داشت و جمعی از فضلا  
 در مفسری وی حاضر می‌گشتند.  
 منبع: اعلام خراسان، ۱۳۷/۱.

**آخوند حاکیم بزرگ** (م ۱۱۱۶ ق)، از درویش‌ها، اهل خون  
 ریاضی را نزد مولی محمد حسین بن مولی محمد باقر بوی  
 و سایر عموز با نزد استاد دیگر همچون آقا حسن خوساری  
 تقلید کرد و آنگاه در بزرگسگی گردید و به تدریس در برخی  
 از مدارس جلینیه ایالت آن اشتغال یافت. او سرپهزگار ترین  
 اهل زمانة خویش بود و لباس سخن بر تن می‌کرد.  
 منبع: باقی‌المقالات، ۱۹۷/۲.

**آثار طباطبائی**، واژه‌ای است برسانای کده در اصطلاح دهائی خاص  
 بحث از قیامی به منظور عام و خاص می‌گردد. آثار طباطبائی را به  
 آثار طباطبائی اول و آثار طباطبائی ثانی بنا دوم تقسیم می‌کند:  
 ۱) آثار طباطبائی اولی بحث در باب امتزاج قیامی به اعتبار  
 حشوات آهسته است، بحث در باب مناصات خمس (۱-  
 مناصات خمس (۲) آثار طباطبائی دوم، بحث از اهران یا  
 قیام برهانی است که گفته‌ای خاص از قیامی به شمار می‌آید  
 (۳- احزاب مقلع؛ برهان؛ قیاس).

منابع: اسامی الاقبالی، ۶؛ حاشیه، مولی عبدالله، ۳۳۰.

**آن دایم**، اصطلاحی عرفانی، به معنای استناد حضرت الهی که به  
 این استناد اول در اندیشه نضج است. اول و اید در وقت  
 حاضر است و وقت صحیح اول و اید است و آن دو در  
 محض می‌سازد. از این جهت آن را «باطن زمانه» و «محل زمانه»  
 نیز خوانند. از آنات زمانی مانند لغزشی بر آن مشتق و هر  
 بر حال خود دانما و سرعاً نسبت ثانی آن قائم را بنابر  
 فرمایش سیموس (ع)؛ «ولیس عقد در سبک سبکاً ولا سماء»  
 (نزد پرونده گنجدی صحیح و شامی نسبت) و حضرت عین‌بنده هم  
 تاسیدیه‌ای و شاه نسبت‌نامه ولی آن را «فرض رحمانیه» نیز  
 خوانده است.

منابع: اصطلاحات العرفیه، میدان‌سزاق کتبی، ۳۴؛ رسائل  
 شاه نعمت‌الله اولی، ۳/۲۱۲؛ رسائل شریفی، رساله «عالم‌الایمان فی  
 دایة‌الایمان»؛ چنانچه رساله فارسی، رسائل‌الایمان علی‌رس محمد ترکیه  
 اصفهانی، رساله اصول‌المطویه، ۸۵.

**آنی قاضی خاتون استانبولی**، از زنان نامور و فاضل‌ترین  
 در زوجه، از خاندان سده‌القدسین حنبلتاسی صاحب تاج،  
 دانشجو است، در استانبول ساکنین سرود و در سال ۱۱۴۳  
 دوهون حلی را لیک گفت.  
 منابع: اعلام خراسان، ۱۱۹/۱؛ باقی‌المقالات، ۳۳۰/۳.

صالح در شب اول زکات محض ادای شکر الهی در زاده  
 حصد از حد و شکر خداوندی مشغول مطالعه بود،  
 اتفاق به سخته مشکلی بر خورده و از حل آن عاجز شد. آنکه  
 ملاک واقع مطلب را به فراموشی درآید، صبح چون آن شب  
 و کلیم صالح بپزای همواره به‌دورسی دینت، آینه نیکم همان  
 مطلب را حل کرده و مشروط سونته و در همانجا گذاشت.  
 چون شب دیگر بر آمد و ملا صالح کتاب را برای مطالعه باز  
 کرد آن سونته را دید از قایت خوشحالی، به سجده شکر  
 افتاد، باز تا صبح مشغول عبادت و مطالعه بود و باین مژواک  
 نام، شب سبب شرطی ظروف وقوع یافت.  
 غیر رسا کتلمه در اعلام دانشه درگشتند او را به‌بال  
 ۱۵۸۰ ق یاد می‌کنند. مقدس تبریزی می‌گوید لغزش در وقت  
 فریاد اصفهان است و اشعاری از خود او که حاکی از فضل و  
 سخندانی اوست بر متفک گودش حکم شده است. در اثری از  
 او باقی نمانده است. شرح و اقیة این دایک از طرح و خواهد  
 سیزده.

منابع: اعلام خراسان، ۱۵۸/۱؛ اعیان النبیه، ۳۷۵/۳، ۳۸۰؛ دیباچه  
 المصنوع، ۱۳۷۵/۲؛ به‌الله‌الایم، ۳۳۵/۷-۳۳۶/۷.

**آینه خانم اصفهانی**، دختر شیخ آقا محمد کبیر آل‌شریف، از  
 زنان ناضل و عابد و زاهد قرون دوازدهم هجری، وی همسر  
 شیخ مدکریم صبر اصفهانی آل شریف (سه شریف) است. او همسر  
 جواد شیخ باقر اصفهانی نجفی پسر شیخ محمد حسن صاحب  
 ماز و از ماوراء حالی دویات و فواجر امیر محمد صالح  
 حاکموزن قادی و نامور میبوسی بود. شهرت بیادت آل شریف به  
 سبب بیادت همین آینه خانم بوده است.

منابع: دایمی‌الشفق و حاشیه‌ها، ۳۰۰/۲؛ بیبانه‌الایم، ۲۱۲-۲۱۳.

**آینه خانم قزوینی** (متزودین ۱۲۰۲-۱۲۸۸ ق)، دختر شیخ  
 محمد علی قزوینی، از زنان دانشمند و مشهور قرون سیزدهم،  
 نرسد بر سرگذشتی بیروا عبدالرحاب قزوینی دومی عنوانند. در  
 ۱۲۱۹ ق با ملا محمد صالح برفانی ازواج نمود و از حوزة  
 دومی از نیز استفاده کرد، لافقه و حکمت را از مسال قدری  
 قزوینی آموخت، مدتی هم نزد شیخ احمد اسطانی تلمذ کرد.  
 وی سرچشمه ظهی و اسامی جماعت زعمان در سلسله صالحیه  
 قزوینی بود. سبک نبات نثارا و زاهد بود، قرآن را از حفظ  
 داشت. از همسر و برادر وی و از شیخ احمد حسانی اجازه  
 روایت داشت. از آثار اوست: دیوان شطو، بعضی لطایف و  
 حوسنی بر کتب ظهی و اصولی، تصانیف او در ۳۸۵ بیت که  
 زبان حسال حضرت زینب کبری (ع) است. از اسفند وزود به  
 گر بلا تا اسارت و سفر به خرام و میبندیه. وی سادس قره‌لین  
 است.

منابع: کربلا فی حاضرها و ماضیها، خلقی، اطلاعات خاصه.

## ۵) دایرةالمعارف

### تشیع: جلد اول آن در سال

### ۱۳۶۶ منتشر شد. این

### دایرةالمعارف، خاص

### فرهنگ و تمدن و آثار شیعه

### است.

برخی از فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌های تخصصی مربوط به ادبیات و علوم انسانی عبارت‌اند از :

\* فرهنگ معارف اسلامی، دکتر سیدجعفر سجّادی، شرکت مؤلفان و مترجمان

\* دایرةالمعارف ادبی، عبدالحسین سعیدیان، تهران ۱۳۵۲.

\* فرهنگ سخنوران، عبدالرّسول خیّام‌پور، تبریز، ۱۳۴۰.

## □ اطلس‌ها

مجموعه‌ای از نقشه‌ها، جدول‌ها و نمودارهایی که به طور منظم فراهم آمده و بیان‌کننده موضوع خاصی هستند، اطلس نامیده می‌شوند. اطلس‌ها به ما کمک می‌کنند تا موقعیت جغرافیای گذشته یا کنونی هر مکان را روی نقشه‌ها پیدا کنیم.



مشهورترین اطلس‌های موجود عبارت‌اند از :

- ۱) اطلس تاریخی اسلام، تألیف هری. و. هازارد<sup>۱</sup>، ترجمه‌ی محمود عرفان (از روی چاپ سوم آن که در سال ۱۹۵۳ به وسیله‌ی دانشگاه پرینستون انتشار یافته است).
- ۲) اطلس تاریخی ایران، تألیف چهارده تن از استادان تاریخ و زبان و ادبیات، سال ۱۳۵۰ (به دو زبان انگلیسی و فارسی)، مؤسسه‌ی جغرافیایی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.
- ۳) اطلس معاصر گیتاشناسی، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۴) اطلس اقلیمی ایران، مؤسسه‌ی جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.

## □ زندگی‌نامه‌ها

زندگی‌نامه، شرح تاریخ زندگی یا دوره‌ای از زندگی افراد در حدود اطلاعاتی است که نویسندگی زندگی‌نامه از احوال آن‌ها داشته است. در سال‌های پیش با حسب حال و زندگی‌نامه آشنا شدید. برخی زندگی‌نامه‌ها عمومی و برخی خاص فرد یا افرادی هستند. زمان، مکان و سطح زندگی‌نامه‌ها نیز متفاوت است. برخی از زندگی‌نامه‌های خاص ادبیات و علوم انسانی عبارت‌اند از :

- ۱) ریحانة‌الادب، محمدعلی مدرّسی تبریزی (۶ جلد)، تبریز
- ۲) نامه‌ی دانشوران، جمعی از نویسندگان، زندگی‌نامه‌ی علما، دانشمندان، محدثان

و ...

۳) مجمع‌الفصحا، رضا قلی‌خان هدایت، شرح حال هفتصدتن از شاعران، به تصحیح دکتر مظاهر مصفاً

۴) تاریخ رجال ایران، مهدی بامداد، شرح حال رجال سیاسی ایران در قرن ۱۲ تا ۱۴ هجری قمری<sup>۲</sup>

---

۱- Harry. W. hazard

۲) علاوه بر کتاب‌های معرفی شده، زندگی‌نامه‌های زیر نیز از اهمیت به سزایی برخوردارند :

□ حیات مردان نامی، پلوتارک، ترجمه‌ی رضا مشایخی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۲ ←

## □ منابع فرعی

منابع فرعی یا رابط منابعی هستند که خود به طور مستقیم در تحقیق به کار نمی آیند بلکه به وسیله‌ی آن‌ها می‌توانیم به منابع معتبر و موضوعات مورد نظر دسترسی پیدا کنیم. فهرست‌ها، کتاب‌شناسی‌ها و چکیده‌ها از این دسته‌اند. مهم‌ترین منابع فرعی موجود عبارت‌اند از:

□ فهرست کتاب‌های چاپی، تألیف خان بابامشار، شامل فهرست الفبایی کتاب‌های

منتشر شده تا سال ۱۳۴۵

□ نمایه: نرم‌افزاری است که موسسه‌ی فرهنگی و اطلاع‌رسانی «نمایه» با نظارت

کتاب‌خانه‌های عمومی کشور، تولید کرده‌است. بزرگ‌ترین بانک مطالب نشریات کشور را در اختیار دارد و دستیابی زود و آسان به اطلاعات مقاله شناختی ده‌ها هزار مقاله، نقد و گفت‌وگو را با انواع جست‌وجوهای پیشرفته فراهم می‌کند.

مهم‌ترین قابلیت این نرم‌افزار، دسترسی به متن همه‌ی این مقالات است. در تمام

کتاب‌خانه‌های عمومی و بسیاری از مراکز علمی، فرهنگی و دانشگاهی، شما می‌توانید از این نرم‌افزار، استفاده کنید.



□ فهرست مقالات فارسی، به کوشش ایرج افشار

که تاکنون پنج جلد آن چاپ شده است. این مجموعه، مقالات چاپی مطبوعات کشور را از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۷۰ شامل می‌شود. شیوه‌ی تنظیم آن موضوعی است.

□ فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات

ایران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که از سال ۱۳۶۱ تاکنون تمامی مقالات مطبوعات را فهرست کرده است.

→

□ بزرگان فلسفه، توماس هنری، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸

□ فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، به سرپرستی حسن انوشه، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۹

□ زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران (پنج جلد) (۱۳۲۰-۱۲۹۸)، حسن مرسلوند، نشر الهام، ۱۳۷۴

□ شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، زوآر، چاپ دوم، ۱۳۷۰



□ فهرست نسخه‌های خطی، کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، کتابخانه‌ی ملی ملک، کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، کتابخانه‌ی آیت‌... مرعشی نجفی، کتابخانه‌ی ملی، کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران و ... که بالغ بر یکصد مجلد آن‌ها تاکنون چاپ شده است. این مجموعه، فهرست تفصیلی نسخه‌های خطی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. علاوه بر کتاب‌شناسی‌های عمومی، کتاب‌شناسی‌های خاص نیز وجود دارند که تنها به یک موضوع می‌پردازند؛ مثل:

۱) کتاب‌شناسی تمدن ایران ۳۰ جلد، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱

۲) کتاب‌شناسی حقوق، حمید مقدم، تبریز، ۱۳۷۲

۳) کتاب‌شناسی فردوسی، ایرج افشار.

۴) کتاب‌شناسی شعر نو، میمنت میرصادقی.

## □ منابع دیداری و شنیداری

با پیشرفت صنعت و فن‌آوری و گسترش فنون ارتباطات، اکنون رسانه‌های دیداری و شنیداری مثل نوارهای صوتی، لوح‌های فشرده (دیسکت)، نوارهای فیلم، عکس، اسلاید، میکروفیلم<sup>۱</sup> و رایانه به کمک محققان آمده‌اند تا سرعت و دقت پژوهش‌ها را افزایش دهند.



در سال‌های اخیر، آنچه بیش از همه بر روند تحقیقات تأثیر گذاشته، منابع رایانه‌ای است. تا آن‌جا که این منابع، در زمره‌ی منابع مهم تحقیق درآمده‌اند. این وسیله می‌تواند تمامی اطلاعات مربوط به کلیه‌ی منابع تحقیق از جمله فهرست‌ها، کتاب‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها و ... را بر روی لوح

۱) کتابخانه‌های معتبر برای حفاظت از اسناد مهم چاپی و خطی، از آن‌ها عکس برداری می‌کنند و فیلم آن‌ها را در اندازه‌های کوچک در اختیار محققان قرار می‌دهند.

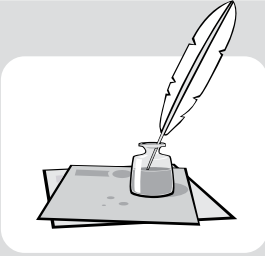
فشرده (دیسکت) ضبط کند و آن‌ها را در کم‌ترین حجم و کوتاه‌ترین زمان، هر موقع که بخواهیم در اختیار ما بگذارد. یکی از جدیدترین روش‌های ذخیره‌سازی داده‌ها، ذخیره‌سازی نوری است.



لوح فشرده‌ی نوری با ظرفیت گسترده‌ی ذخیره‌سازی خود قادر است صدها هزار صفحه اطلاعات را فقط بر روی یک صفحه‌ی کوچک ضبط کند؛ برای مثال، اکنون تمامی لغت‌نامه‌ی دهخدا روی یک لوح فشرده ضبط شده است. رایانه‌ها، علاوه بر تصویر، صدا را نیز ذخیره و بازیابی می‌کنند؛ برای مثال، یک لوح فشرده که حاوی اطلاعات جامعی درباره‌ی جغرافیای سیاسی و طبیعی و انسانی است، می‌تواند هنگامی که پرچم یک کشور را نشان می‌دهد، سرود ملی یا موسیقی خاص آن کشور را نیز پخش کند.

امروزه شبکه‌ی وسیع اینترنت، مراکز اطلاعاتی سراسر دنیا را از طریق رایانه‌های شخصی به هم وصل کرده است و شما می‌توانید با در اختیار داشتن یک دستگاه رایانه‌ی شخصی، با همه‌ی مراکز اطلاعات مهم در سراسر جهان ارتباط برقرار کنید و اطلاعات فراوانی به دست آورید.

در روزگار ما، تمامی کتابخانه‌های دنیا به این سیستم اطلاع‌رسانی مجهز شده‌اند. چنان‌که یک فرد می‌تواند تمامی اطلاعات را درباره‌ی موضوع مورد مطالعه‌ی خود، از طریق رایانه کسب کند. حتی بسیاری از کتابخانه‌های بزرگ و مهم از این طریق به هم وصل شده‌اند. علاقه‌مندان می‌توانند از امکانات این کتابخانه‌ها در محل خود نیز استفاده کنند.



دو گروه واژه های زیر را با هم مقایسه کنید.

بدر شب پره

بتر شپره

دو حرف «د» و «ت» در بتر به دلیل نزدیکی به هم، برای سهولت تلفظ در

یک دیگر ادغام شده اند. هم چنین است «ب» و «پ» در شپره. به این فرآیند

واجی «ادغام» می گویند. نمونه های دیگر:

زودتر زوتر

## خودآزمایی

- ۱) از یک مرکز علمی، پژوهشی یا یک کتابخانه بازدید کرده، منابع تحقیق آن را طبق نمودار درس بررسی کنید. آن‌گاه، نتیجه را گزارش دهید.
- ۲) با مراجعه به یکی از منابع معرفی شده، آن را به کلاس بیاورید و بیشتر به هم‌کلاسان خود معرفی کنید.
- ۳) درس «چگونگی تصنیف گلستان» را از نظر دستور تاریخی بررسی کنید.